



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۷۹

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای سید روح الله موسوی

مقدمه

ادله شرعی در یک تقسیم‌بندی کلی بر دو قسم لفظی و غیر لفظی تقسیم می‌شود. مباحثی که تاکنون ارائه شد درباره دلیل شرعی لفظی بود که با بحث «اثبات المالک بالدلیل» پایان پذیرفت. در این درس و چند درس آتی، بحث فشرده‌ای در رابطه با دلیل شرعی غیر لفظی – که به آن دلیل لُبی نیز گفته می‌شود – خواهیم داشت. این بحث را با چگونگی دلالت فعل معصوم بر حکم شرعی آغاز می‌کنیم.

متن درس

٢. الدليل الشرعي غير اللفظي

عرفنا فيما تقدم ان الدليل الشرعي تارة يكون لفظيا، و أخرى غير لفظي، و الدليل الشرعي غير اللفظي هو الموقف الذي يتخذه المعصوم و تكون له دلالة على الحكم الشرعي. و يتمثل هذا الموقف في الفعل تارة، و في التقرير و السكوت عن تصرف معين تارة أخرى، و نتكلم الآن عن دلالات كل من الفعل و السكوت.

دلالة الفعل

اما الفعل فتارة يقترب بمقال أو بظهور حال يقتضي كونه تعليميا فيكتسب مدلوله من ذلك، و أخرى يتجرد عن قرينة من هذا القبيل، و حينئذ فان لم يكن من المحتمل اختصاص المعصوم بحكم في ذلك المورد دل صدور الفعل منه على عدم حرمة بحكم عصمته، كما يدل الترك على عدم الوجوب لذلك، و لا يدل بمجردة على استحباب الفعل و رجحانه الا إذا كان عبادة - فان عدم حرمتها مساوق لمشروعيتها و رجحانها - أو أحرزنا في مورد عدم وجود أي حافز غير شرعي، فيتعين كون الحافز شرعيا فيثبت الرجحان، و يساعد على هذا الإحراز تكرار صدور العمل من المعصوم، أو مواظبته عليه مع كونه من الأعمال التي لا يقتضي الطبع تكرارها و المواظبة عليها.

دلیل شرعی غیر لفظی

در مباحث پیش گفته^۱ بیان شد که دلیل شرعی بر دو قسم است: لفظی و غیر لفظی. مباحثی که تاکنون مطرح شد، در زمینه تحدید دلالات دلیل شرعی لفظی بود و در این بخش، تحدید دلالات دلیل شرعی غیر لفظی را پی می-گیریم.

دلیل شرعی، گاه لفظی و از جنس قول است و گاه لفظی نیست که به آن، دلیل غیر لفظی یا لَبّی اطلاق می‌شود. دلیل شرعی غیر لفظی (لَبّی) عبارت است از موضعی عملی که معصوم (ع) آن را اتخاذ می‌کند و دلالت بر حکم شرعی دارد. در این تعریف، دو قید لحاظ شده است: ۱. موضع عملی که معصوم اتخاذ می‌کند؛ ۲. دلالت بر حکم شرعی. از آنجا که این موضع عملی، دلالت بر حکم شرعی دارد، «دلیل» است و چون امام معصوم (ع) عملاً آن را اتخاذ می‌کند، «شرعی غیر لفظی» می‌باشد. این موضع عملی که معصوم اتخاذ می‌کند و دلالت بر حکم شرعی دارد، گاه فعالانه است و گاه منفعلانه؛ یعنی گاه معصوم با فعل خود موضعی اتخاذ می‌کند که دال بر حکم شرعی است و گاهی معصوم، در قبال رفتاری معین سکوت می‌کند و سکوت و تقریر او دال بر حکم شرعی است.

FG

} دلیل شرعی	{ <div style="display: inline-block; vertical-align: middle;"> لفظی غیر لفظی (لَبّی) </div>	فعالانه (فعل صادر از معصوم)
		منفعلانه (سکوت و تقریر معصوم)

تطبیق

الدلیل الشرعی غیر اللفظی؛ عرفنا فیما تقدم ان الدلیل الشرعی تارة یكون لفظیاً، و أخرى غیر لفظی، دلیل شرعی غیر لفظی (لَبّی)؛ در مباحث پیشین دانستیم که دلیل شرعی، گاه لفظی و گاه غیر لفظی است. و الدلیل الشرعی غیر اللفظی هو الموقف الّذی یتخذه المعصوم و تكون له^۲ دلالة علی الحكم الشرعی. و دلیل شرعی غیر لفظی، عبارت است از موضعی که معصوم اتخاذ می‌کند و دلالت بر حکم شرعی دارد. و یتمثل هذا الموقف فی الفعل تارة، و فی التقریر^۳ و السکوت عن تصرف معین تارة أخرى، و نتکلم الآن عن دلالات کل من الفعل و السکوت.

و این موضع عملی معصوم، گاه در قالب فعل و رفتار خود را نشان می‌دهد و گاه در قالب تأیید و سکوت امام در مورد رفتاری معین (که از دیگران سر می‌زند). در حال حاضر، از دلالت‌های هر یک از فعل و سکوت معصوم بحث می‌کنیم.

SCO۱: ۴:۴۹

^۱. رک: همین کتاب، القواعد العامة فی الادلة المحرزة (۱)، تمهید.

^۲. مرجع ضمیر: الموقف.

^۳. واو تفسیر.

دلالت فعل معصوم بر عدم حرمت

اگر چه عنوان این بحث، فعل معصوم است، اما شامل «ترک معصوم» نیز می‌شود و اگر معصوم از انجام دادن فعلی، اجتناب کند در همین بحث می‌گنجد.

فعل معصوم دو حالت دارد. گاهی مقترن به گفتار و یا ظهور حالی است که نشان می‌دهد این فعل به صورت تعلیمی و آموزشی صادر شده است؛ یعنی اقتضا می‌کند که معصوم، در مقام تعلیم و آموزش به دیگران بوده‌اند. به عنوان مثال، امام معصوم (ع)، قبل از وضو گرفتن خطاب به اصحاب خود بگویند: **أَلَا أَحْكِي لَكُمْ وَضوءَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟** آیا برای شما نحوه وضو گرفتن رسول خدا (ص) را حکایت نکنم؟ این جمله نشان می‌دهد که این وضو، یک وضوی تعلیمی و در مقام آموزش به اصحاب است. در چنین مواردی، دلالت فعل معصوم، بر اساس قرینه حالی یا مقالی تعیین می‌شود و از محل بحث فعلی ما خارج است.

حالت دوم فعل معصوم، در مواردی است که قرینه‌ای بر تعلیمی بودن یا تعلیمی نبودن وجود ندارد و در مورد امام معصوم (ع) فعل یا ترک فعلی گزارش شده است.

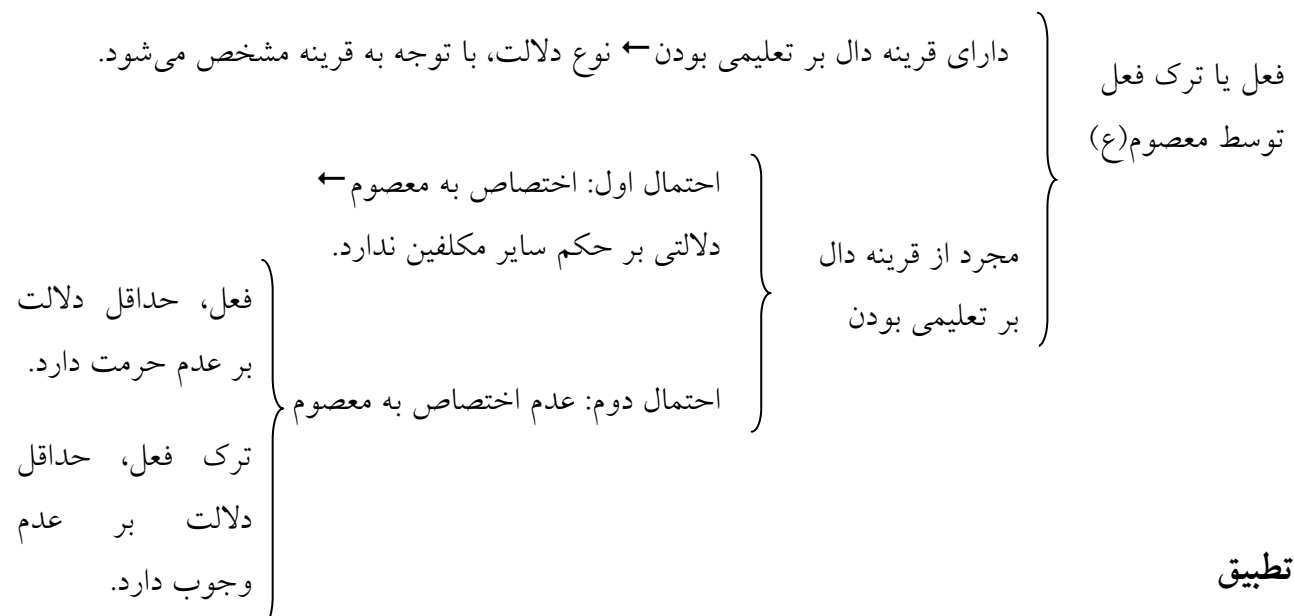
در این صورت، دو احتمال وجود دارد: اختصاص این فعل به معصوم و عدم اختصاص به معصوم.

احتمال اول: در مواردی که قرینه‌ای وجود ندارد، یک احتمال این است که معصوم بر اساس حکمی که مختص به اوست و شامل غیر معصوم نمی‌شود، چنین رفتاری کرده است. در شریعت اسلام، احکامی وجود دارد که جنبه عمومی ندارد؛ مثلاً بر نبی اکرم (ص) به طور اختصاصی جایز بوده است که در یک زمان، بیشتر از چهار همسر دائمی داشته باشند. اگر در مورد فعل معصوم احتمال بدهیم^۱ که این فعل جزء احکام اختصاصی است، نمی‌توان از این فعل، برای کشف حکم مربوط به سایر مکلفین استفاده کرد.

احتمال دوم: احتمال دیگر در مورد افعال مجرد از قرینه این است که فعل یا ترک معصوم، ناشی از حکم مختص به معصوم نباشد. در صورت اثبات این احتمال می‌توانیم از فعل یا ترک معصوم، نسبت به احکام سایر مکلفین دلالتی اخذ کنیم. دلالتی که در این فرض قابل استفاده می‌باشد بدین ترتیب است که: فعل معصوم، حداقل دال بر عدم حرمت است و ترک معصوم، حداقل دال بر عدم وجوب می‌باشد؛ یعنی اگر معصوم مرتکب فعلی شد، کمترین چیزی که از این ارتکاب معصوم به دست می‌آید، حرام نبودن این فعل است و اگر معصوم از انجام فعلی خودداری کرد، حداقل چیزی که قابل استنتاج است، عدم وجوب این فعل می‌باشد. این نحوه دلالت، با توجه به ویژگی عصمت به دست می‌آید؛ چرا که عصمت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) مانع از ارتکاب معصیت یا خطا از جانب ایشان می‌گردد. بنابراین هرگاه معصوم فعلی را انجام داد در می‌یابیم که حرام نیست و هرگاه فعلی را ترک نمود مشخص می‌شود که آن فعل واجب نیست، چون ترک واجب نیز از جمله معاصی است.

FG

^۱ . در ادامه مباحث بیان خواهد شد که از نظر شهید صدر، در مواردی که شک داریم فعل یا ترک فعل، از مختصات معصوم است، اصل عدم اختصاص حکم به معصوم می‌باشد.



تطبیق

دلالة الفعل؛ اما الفعل فتارة يقتدر بمقال أو بظهور حال يقتضي^۱ كونه^۲ تعليميا فيكتسب^۳ مدلوله من ذلك، و اخرى يتجرد عن قرينة من هذا القبيل،

دلالت فعل (و ترک فعل توسط معصوم)؛ فعل معصوم (دو حالت دارد) گاه با یک قرینه لفظی یا ظاهر حال همراه می‌شود که اقتضا می‌کند فعل معصوم آموزشی باشد. در این صورت، فعل معصوم مدلول خود را از آن قرینه یا ظهور حال کسب می‌کند؛ و (حالت دیگر این است که) گاه فعل معصوم، بدون قرینه‌ای است که مقتضی آموزشی بودن فعل باشد.

و حينئذ فان لم يكن من المحتمل اختصاص المعصوم بحكم في ذلك المورد دل^۵ صدور الفعل منه على عدم حرمة بحكم عصمته،

و هنگامی که فعل معصوم، مجرد از قرینه است، پس اگر احتمال داده نشود که معصوم به حکمی در مورد این فعل، اختصاص داشته باشد، صدور فعل از معصوم، (حداقل) دلالت بر عدم حرمت فعل دارد؛ زیرا او عصمت (از گناه و اشتباه) دارد.

كما يدل الترك على عدم الوجوب لذلك.^۶

همان گونه که ترک فعل توسط معصوم نیز بر عدم وجوب دلالت می‌کند؛ چون عصمت دارد.

SCO۲:۱۴:۲۷

^۱. مرجع ضمیر: مقال أو ظهور حال.

^۲. مرجع ضمیر: الفعل.

^۳. مرجع ضمیر: الفعل.

^۴. مشارالیه: مقال أو ظهور حال.

^۵. جواب «إن»

^۶. مشارالیه: عصمته.

دلالت فعل معصوم بر عدم کراهت و استحباب

بیان شد که فعل معصوم، می‌تواند دلالت بر عدم حرمت داشته باشد و ترک فعل توسط معصوم، دلالت بر عدم وجوب بکند. در مرحله بعد به بررسی این مطلب می‌پردازیم که آیا می‌توان ادعا کرد از آنجا که معصوم، مرتکب مکروه نمی‌شود، فعل او دلالت بر عدم کراهت نیز می‌کند؟ و حتی فراتر از عدم کراهت، آیا فعل معصوم می‌تواند دلالت بر استحباب عمل داشته باشد؟ در مورد ترک فعل نیز دلالت بر عدم استحباب و بالاتر از آن، دلالت بر کراهت، قابل بحث و بررسی است. تنقیح این بحث، منوط به تحقق شرایطی خاص و یا برخی مبانی متخذ در زمینه رفتار معصومین (ع) است که در این درس و درس بعد مطرح می‌گردد.

شهید صدر (ره) در مورد دلالت فعل معصوم بر استحباب، شرایطی را بیان می‌کنند. ایشان معتقدند که در صورتی فعل معصوم دلالت بر استحباب دارد که یکی از این دو فرض محقق شود:

فرض اول: فعل معصوم، ماهیت عبادی داشته باشد. همه اعمال - حتی مباحات - می‌تواند جنبه عبادی داشته باشد و به طور کلی، هر عملی که با قصد قربت انجام شود عبادت است؛ اما در اینجا مراد این است که عمل، بالاصاله به عنوان یک عبادت مطرح باشد؛ مانند دعا و نماز.

باید به این نکته توجه داشت که عبادت نمی‌تواند مکروه و یا حتی مباح باشد؛ بلکه عبادت، یا مستحب است و یا واجب، و به عبارت دیگر همواره راجح است، مگر اینکه از روی بدعت، عبادتی جعل شود که در این صورت، حرام و نامشروع خواهد بود.

بنابراین اگر فعلی که ماهیت عبادی دارد از معصوم سرزند، می‌توان گفت که این فعل، دست کم مستحب است؛ چون لازمه عبادت بودن آن است که حداقل مستحب باشد.

فرض دوم: مورد دیگری که فعل معصوم، دلالت بر استحباب دارد، این است که نتوان برای معصوم، هیچ انگیزه‌ای بجز انگیزه شرعی در نظر گرفت. برای فهم این مطلب که فعل مورد نظر هیچ گونه انگیزه غیر شرعی ندارد دو امر می‌تواند مساعدت کند:

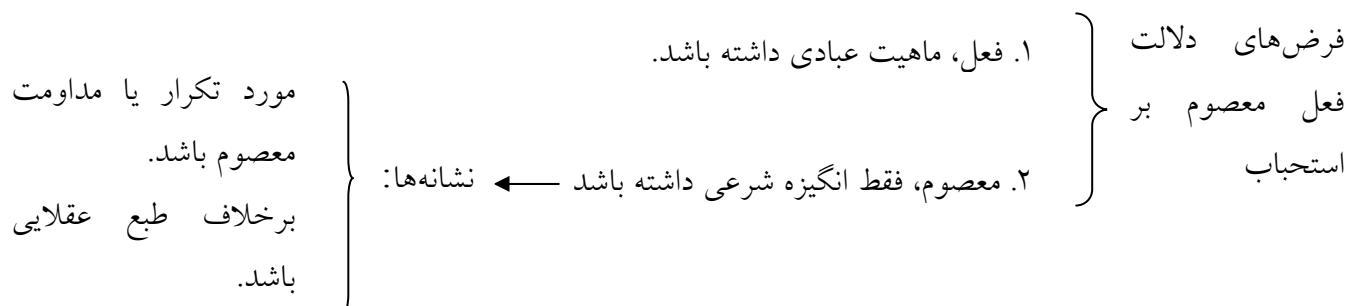
یک. این رفتار، مورد مواظبت و مداومت معصوم باشد و یا حداقل، معصوم این رفتار را تکرار کرده باشد.

دو. مواظبت و تأکید معصوم بر این فعل، بر خلاف طبع عقلایی معصوم باشد و رفتاری بر خلاف طبع عقلا محسوب شود؛ مثلاً بیدار شدن پیش از طلوع فجر که مورد مداومت معصومین بوده است، بر خلاف طبع عقلا و رفتار معمول انسان‌هاست. از این قرائن روشن می‌شود که این فعل، انگیزه‌ای شرعی دارد و حداقل دلالت بر استحباب می‌کند.

به طور کلی، هر رفتاری که از معصوم صادر می‌شود، یا توجیه عقلایی دارد یا توجیه شرعی؛ چرا که او معصوم و عاری از گناه و اشتباه است. برای آنکه احراز کنیم انگیزه معصوم از رفتار خاص، شرعی است و در نتیجه استحباب دارد، کافی است که بتوانیم اثبات کنیم که صدور این فعل از معصوم، توجیه عقلایی ندارد؛ یا به این صورت که اصلاً از عقلا صادر نمی‌شود و یا اینکه در برخی موارد، از عقلا صادر می‌شود اما تکرار نمی‌گردد. به عنوان مثال، امام معصوم (ع) بعد از خوردن غذا مقداری نمک میل می‌کند. این رفتار، در دفعات معدود و به طور نامنظم از عقلا

هم مشاهده می‌شود، اما چون منطبق بر طبع عقلایی نیست، روشن می‌شود که معصوم، در رابطه با این رفتار، انگیزه شرعی دارد؛ و بدین ترتیب، استحباب این عمل به اثبات می‌رسد.

FG



تطبیق

و لا یدل^۱ بمجرد^۲ علی استحباب الفعل و^۳ رجحانه الا إذا كان عبادة - فان عدم حرمتها^۴ مساوق لمشروعيتها و رجحانها -

و فعل معصوم به تنهایی دلالت بر استحباب و رجحان داشتن آن فعل نمی‌کند مگر (در دو فرض، یکی) اینکه عبادت محسوب شود؛ زیرا حرام نبودن عبادت، مساوی با مشروعیت و رجحان آن است.

أو^۵ أحرزنا فی مورد عدم^۶ وجود آی حافز غیر شرعی، فیتعین کون الحافز شرعیا فیثبت الرجحان،

و (فرض دوم) اینکه احراز کنیم که هیچ انگیزه غیر شرعی برای معصوم وجود ندارد؛ در این صورت به طور متیقن، انگیزه او شرعی بوده است و در نتیجه، رجحان (و استحباب) فعل اثبات می‌شود.

و یساعد علی هذا الإحراز تکرار صدور العمل من المعصوم،

و کمک می‌کند به این احراز (که معصوم فقط انگیزه شرعی داشته)، تکرار شدن وقوع عمل از طرف معصوم.

أو^۷ مواظبته^۸ علیه مع کونه من الأعمال التي لا یقتضی الطبع تکرارها^۹ و المواظبة علیها.

^۱. مرجع ضمیر فاعلی: فعل المعصوم.

^۲. مرجع ضمیر: فعل المعصوم.

^۳. عطف تفسیری.

^۴. مرجع ضمیر: عبادة.

^۵. معطوف علیه: كان عبادة، یعنی: الا اذا احرزنا...

^۶. مفعول «احرزنا».

^۷. معطوف علیه: تکرار صدور العمل.

^۸. مرجع ضمیر: المعصوم.

^۹. مرجع ضمیر: الاعمال.

یا اینکه معصوم، (فرا تر از حد تکرار) مواظبت و مداومت بر عمل داشته باشد؛ در حالی که این عمل متکرر یا مورد مواظبت، از اعمالی است که طبع عقلا، اقتضایی بر تکرار و مواظبت بر آن ندارد.

SCOR: ۲۹:۳۰

چکیده

۱. دلیل شرعی غیر لفظی (لَبّی) عبارت است از موضعی عملی که معصوم (ع) اتخاذ می‌کند و دلالت بر حکم شرعی دارد.
۲. دلیل لبی بر دو گونه است: الف) فعل یا ترک فعل توسط معصوم؛ ب) سکوت معصوم در قبال رفتار دیگران.
۳. اگر فعل یا ترک فعل معصوم، دارای قرینه‌ای دال بر تعلیمی بودن باشد، نوع دلالت، با توجه به قرینه حالی یا مقالی تعیین می‌شود.
۴. اگر فعل یا ترک فعل معصوم، مجرد از قرینه دال بر تعلیمی بودن باشد، دو احتمال شکل می‌گیرد:
 الف) اختصاص حکم به معصوم: در این صورت، فعل یا ترک، دلالتی بر حکم سایر مکلفین ندارد.
 ب) عدم اختصاص به معصوم: فعل، دست کم دلالت بر عدم حرمت دارد و ترک، حداقل دلالت بر عدم وجوب می‌کند. این احکام با توجه به ویژگی عصمت به دست می‌آید.
۵. در صورتی که فعل معصوم، ماهیت عبادی داشته باشد و یا اینکه نتوان برای معصوم، هیچ انگیزه‌ای بجز انگیزه شرعی در نظر گرفت، فعل او دلالت بر استحباب دارد.
۶. اگر رفتاری مورد مواظبت یا تکرار توسط معصوم قرار گیرد و بر خلاف طبع عقلانی وی باشد، معلوم می‌شود که معصوم در انجام این فعل، هیچ گونه انگیزه غیر شرعی نداشته است.